

## درس دوازدهم: حکمت معاصر

✓ مهم‌ترین تفاوت دوره معاصر (صد سال گذشته) با دوره‌های قبل، ورود فلسفه‌های جدید اروپا به جهان اسلام و به‌ویژه ایران می‌باشد.

✓ ورود مباحث جدید فلسفی غرب به ایران به طور گسترده، همزمان با آغاز نهضت مشروطه بود که تاکنون ادامه داشته است. نتیجه این فرآیند چند چیز بود:

- ترجمه کتابهای فلسفی فلاسفه بزرگ اروپا به فارسی.
- دانشجویانی برای تحصیل این فلسفه‌ها به غرب رفتند.
- رشته‌های مرتبط با فلاسفه غرب در ایران تاسیس شد.
- اساتید متخصص در فلسفه‌های اروپایی در ایران، ظهور کردند.

### ✓ دو نکته:

- نخست: پس از سقوط صفویه (که دوره ظهور ملاصدرا بود)، نابسامانی‌هایی پیش آمد که حیات فلسفی و علمی بسیار ضعیف بود و ما شاهد فلاسفه کمی بودیم. اواخر قاجار، یک جنبش فکری و اجتماعی پدید آمد که باعث پدید آمدن مسائل فکری و فلسفی جدید شد و حیات فلسفی مجدداً رونق گرفت.
- دوم: از آنجا که ایران قرن‌ها پیش از دوران معاصر، مهد فلسفه و فلاسفه بزرگ بود (حکمت مشاء، حکمت اشراق و حکمت متعالیه)، فلاسفه اسلامی در هنگام مواجه شدن با فلسفه‌های غربی، صرفاً منفعل و پذیرا نبودند؛ بلکه تلاش کردند با ذخیره فلسفی اسلامی خود به طور فعالانه، آن فلسفه‌ها را فهمیده و ارزیابی کنند.
- نتیجه تلاش فوق: آشنا کردن مجدد دستداران فلسفه با اندیشه فلاسفه‌ای چون فارابی، ابن‌سینا، خواجه نصیرالدین و ملاصدرا.
- نکته: کانون اصلی این تلاش‌ها، شهرهای تهران و قم بود. اصفهان و مشهد نیز کلاس‌های فلسفی برگزار می‌کردند.
- ✓ نکته: اساتید برجسته فلسفه در عصر حاضر: میرزا جهانگیر خان قشقایی، ابوالحسن شعرانی، میرزا مهدی آشتیانی، میرزا ابوالحسن رفیعی قزوینی، محمد مهدی الهی قمشه‌ای، سید محمد کاظم عصار، آیت الله محمدعلی شاه‌آبادی، امام خمینی، و علامه سید محمد حسین طباطبایی.
- ✓ نکته: این اساتید شاگردانی تربیت کردند که برخی از آنها هنوز هم در قید حیاتند و از اساتید بزرگ فلسفه‌اند.

### ❖ حکیم و عارف مجاهد:

- ✓ امام خمینی را عموماً به رهبری انقلاب اسلامی می‌شناسند، اما این درس در نظر دارد به بعد علمی و فلسفی ایشان بپردازد. ایشان حدود ۲۰ سال مدرس کتبی چون شفاى ابن‌سینا و اسفار ملاصدرا بوده است.
- ✓ ایشان در سنین جوانی علاوه بر تدریس، کتاب‌های عرفانی زیر را تالیف کرده‌اند: «تعلیقات به شرح فصوص الحکم»، «شرح بر مصباح الانس»، «مصباح الهدایه»، «اراده و طلب»، «شرح دعای سحر»، «سر الصلوه» و «آداب الصلوه».
- ✓ از ویژگی‌های تدریس ایشان به اذعان شاگردانشان این بود که مباحث فلسفی حکمت متعالیه ملاصدرا را با بیانی عرفانی تفسیر می‌کردند.
- ✓ تربیت شاگردان: امام در مسیر تربیت شاگردان همفکر و همراه، تلاش‌های زیادی کردند تا به کمک این شاگردان بتوانند منشاء حرکت فکری و اجتماعی شوند و تحول فکری و فرهنگی ایجاد کنند.

### ❖ حکیم بزرگ دوره معاصر (علامه طباطبایی):

- ✓ علامه طباطبایی را بزرگترین شخصیت فلسفی معاصر می‌دانند که وارث حکمای بزرگ اسلامی است.

جزوه نکات تستی فلسفه دوازدهم انسانی (ویراست ششم) - دکتر حمید رضا عبدلی  
@h\_r\_abdoli کانال شخصی \*\* @dr\_abdoli\_test تدریس و اطلاع رسانی (ایتا و تلگرام)

- ✓ علامه طباطبایی نه تنها در فلسفه، بلکه در فقه، ریاضیات و کلام نیز مدارجی عالی داشت. علامه طباطبایی تحصیلات عالی خود را در نجف اشرف، به انجام رسانید.
- ✓ استاد عرفان علامه طباطبایی، عارف بزرگ «میرزا علی آقا قاضی» بود. علامه هر گاه سخن از تهذیب و سیر و سلوک معنوی پیش می‌آمد، خود را مدیون مرحوم قاضی می‌دانست.
- ✓ نکته مهم: علامه روش تفسیری «قرآن به قرآن» که در المیزان آن را به کار گرفت، از مرحوم قاضی آموخته بود.

#### ❖ اقدامات فرهنگی و علمی علامه طباطبایی:

علامه در بدو ورودش به قم در سال ۱۳۲۵ به دو نکته مهم درباره فضای فکری ایران پی می‌برد:  
نخست: اینکه مکاتب فلسفی اروپا به ایران آمده و در حال گسترش است؛ مثلاً مارکسیسم و ماتریالیسم.  
دوم: حوزه‌های علمیه توانایی مواجهه با این افکار و اندیشه‌ها را ندارند و راه‌هایی از این معضل، تدریس فلسفه و مباحث فلسفی است.

علامه با پشتکار بسیار زیاد خود، در چهار محور اقدامات فلسفی خود را شروع کرد:

#### ۱. تدریس فلسفه ناظر بر مسائل روز فلسفی:

- ✓ تدریس شفای ابن سینا و اسفار ملاصدرا
- ✓ او در صدد تالیف یک دور فلسفه اسلامی بود؛ به سبکی که مسائل روز هم داشته باشد. بدین منظور:
- ✓ تشکیل یک دوره کلاس برای نقد و بررسی دیدگاه‌های جدید فلسفی به ویژه مارکسیسم. نتیجه: حاصل این دوره، کتابی شد با عنوان «اصول فلسفه و روش رئالیسم».

#### چند نکته درباره کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم»:

۱. متن کتاب اصول فلسفه از علامه و پاورقی‌های آن از شهید مرتضی مطهری است.
  ۲. این کتاب نقشی تعیین کننده در روشن کردن افکار دانشجویان و طلاب داشت.
  ۳. علامه و مطهری در این کتاب نشان دادند که هنوز هم می‌توان از فلسفه صدرایی (حکمت متعالیه) برای پاسخ به نیازهای روز بهره برد.
  ۴. این کتاب نگاهی تطبیقی به فلسفه داشت؛ مثلاً مباحثی چون معرفت (شناخت) و علیت را با دیدگاه‌های فلاسفه ماتریالیستی و اروپایی مقایسه کردند.
- ✓ تالیف دو کتاب آموزشی برای تدریس فلسفه در دو سطح: یکی «بدایه الحکمه» که مقدماتی و در سطح اولیه است و دیگری «نهایه الحکمه» که بالاتر و تخصصی تر است.
۲. احیاء تدریس و تفسیر قرآن کریم: علامه در این راستا یک جلسه تفسیر تشکیل داد و با سبکی جدید به تفسیر قرآن پرداخت. نتیجه این تلاش: تالیف تفسیر ۲۰ جلدی «المیزان» است.

#### ویژگی این تفسیر:

۱. نشان می‌دهد که قرآن یک منظومه و مجموعه کاملاً منسجم است.
۲. در کنار تفسیر آیات، به طور مستقل به مباحث روز فلسفی هم می‌پردازد.
۳. روش ویژه آن که «قرآن به قرآن» است؛ یعنی تفسیر آیات قرآن، به مدد آیات دیگر.

#### ۳. ارتباط با مراکز دانشگاهی و فرهنگی:

- ✓ علامه در این راستا با اساتید دانشگاه ملاقات می‌کرد و برایشان جلساتی تشکیل می‌داد.
- ✓ با خاورشناسان (مستشرقین) و فلاسفه محقق که به ایران آمده بودند، گفتگو می‌کرد.

- ✓ هدف او از گفتگو شناساندن روح فلسفه اسلامی و مذهب شیعه بود.
- ✓ نتیجه چنین تلاش‌هایی این بود که آثار علامه طباطبایی به زبان‌های اروپایی ترجمه شد و تفکر شیعی به غرب راه یافت.
- ✓ هانری گربن فیلسوف فرانسوی که حدود ۲۰ سال با دانشگاه تهران همکاری داشت، مکرر با علامه ملاقات می‌کرد و دیدگاه‌های ایشان درباره فلسفه، عرفان و تشیع را جویا می‌شد.
- ✓ نتیجه ملاقات‌های گربن با علامه طباطبایی دو کتاب بود: «شیعه» و «رسالت تشیع در دنیای امروز»

#### ۴. تربیت شاگردان:

- ✓ جلسات علامه در قم ابتدا گمنام و کم‌جمعیت بود؛ اما به سرعت به مهمترین جریان فکری و علمی آنجا تبدیل شد.
- ✓ مهمترین شاگردان علامه طباطبایی: شهید مرتضی مطهری، شهید دکتر بهشتی، شهید دکتر باهنر، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله حسن زاده آملی، آیت‌الله محمد تقی مصباح و ...
- ✓ این شاگردان با تالیف و تدریس گسترده، حیات فرهنگی نهضت اسلامی را تغذیه کردند.
- ✓ برجسته‌ترین شاگرد: شهید مطهری شاگرد مشترک علامه طباطبایی و امام خمینی بود. به بیان امام و علامه، مطهری شاگرد ممتاز آنها بود.

#### ❖ الگویی از نظام فکری و عملی:

- ✓ پیشتر بیان شد که سبک زندگی هر کسی متأثر از فلسفه‌ای است که آن شخص دارد؛ مثلاً فلسفه افلاطون و فارابی رنگ و بوی الهی دارد و فلسفه مبتنی بر اصالت ماده و حس (مثلاً ماتریالیسم)، اهداف زندگی را کاملاً مادی می‌کند.
- ✓ اگر ساختار و نظام فکری هر فرد را مشابه یک درخت بدانیم؛ مبانی فلسفی پذیرفته شده از سوی هر فرد، به منزله ریشه درخت است؛ و سایر افکار و اندیشه‌های او (نگاه او به سیاست، زندگی، خانواده و ...)، شاخ و برگ‌های آن درخت هستند.
- ✓ بدیهی است سلامت شاخ و برگ‌ها به سلامت ریشه بستگی دارد.

#### افراد با توجه به نظام فکری که دارند به ۴ گروه تقسیم می‌شوند:

۱. کسانی که کمتر اهل اندیشه‌ورزی‌اند و اصولاً نظام فکری مشخصی ندارند. اینها اهل تقلید هستند و همراه جو جامعه‌اند.
۲. کسانی که وارد عرصه تفکر شده و دارای افکار فلسفی هستند؛ اما هنوز افکار فلسفی به خوبی در آنها شکل نگرفته است و نمی‌توانند بین افکار فلسفی و مسائل زندگی ارتباط برقرار کنند. اینها گاهی بر اساس افکارشان تصمیم می‌گیرند و گاهی بر اساس تقلید. این گروه، در مسیر رشد و پیشرفت هستند.
۳. کسانی که در انتخاب ریشه درخت (نظام فکری) خود به خطا رفته‌اند. اینها ریشه‌ای ناسالم و ناکارآمد در زمین زندگی‌شان قرار داده‌اند و در نتیجه به یک سبک زندگی ناسالم رسیده‌اند.
۴. کسانی که هم ریشه درخت فکری‌شان را به درستی انتخاب کرده‌اند و هم با تامل و عقلانیت بالا، شاخ و برگ‌های قوی و استواری از آن ریشه‌ها استخراج کرده‌اند. اینان وقتی از مسئله‌ای (مثلاً فرهنگ) صحبت کنند، مخاطب فهیم خواهد فهمید که این سخن او برگرفته از مبانی فلسفی‌اش است.

نکته:

- ✓ شهید مطهری را می‌توان از کسانی دانست که هم ریشه درخت فکری‌اش را به درستی انتخاب کرده و هم شاخ و برگ‌های قوی از آن استخراج کرده است. (دسته چهارم)

جزوه نکات تستی فلسفه دوازدهم انسانی (ویراست ششم) - دکتر حمید رضا عبدلی

@h\_r\_abdoli کانال شخصی \*\* @dr\_abdoli\_test تدریس و اطلاع رسانی (ایتا و تلگرام)

✓ نظام فکری، شهید مطهری، هنوز هم پاسخگوی نیازهای زمان و عصر ماست؛ یعنی می‌تواند به ما دیدگاه فلسفی مناسبی نسبت به زندگی اجتماعی، اقتصادی و ... بدهد.

#### معرفی محتوای کتاب «عدل الهی» از شهید مطهری:

✓ عدالت، یک آرمان فطری انسان‌هاست و همه آرزوی یک جامعه عادلانه دارند.

✓ مطهری در این کتاب جایگاه عدل در «وجودشناسی» را تبیین می‌کند. ایشان نشان می‌دهد که توحید، نبوت، معاد، امامت و زعامت و همه آرمان‌های فردی و اهداف اجتماعی، بر اساس محور عدل استوار شده‌اند.

- عدل قرآن نوعی «جهان بینی» است که شکل خاصی به نگاه انسان به هستی و آفرینش می‌دهد.
- عدل در مبحث نبوت و تشریح، یک «معیار» و «مقیاس» قانون‌شناسی است.
- عدل در امامت و رهبری، یک «شایستگی» است.
- عدل در بحث اخلاق، یک «آرمان انسانی» است.
- عدل در بحث اجتماع، یک «مسئولیت» است.